

حضرت نوح (علیه السلام)

حضرت نوح (علیه السلام) پس از ساختن کشتی، مردم و حیوانات را بر آن سوار کرد و به پسر خویش گفت: پسر! تو هم بدین کشتی وارد شو...

حضرت نوح (علیه السلام) پس از ساختن کشتی، مردم و حیوانات را بر آن سوار کرد و به پسر خویش گفت: پسر! تو هم بدین کشتی وارد شو تا نجات یابی و با کافران همراه مباش؛ که هلاک خواهی شد. پسر نوح (علیه السلام) نافرمانی کرد و گفت: من به زودی برفراز کوه می‌روم که از خطر هلاکت نگره دارم. نوح (علیه السلام) گفت: ای پسر! امروز، هیچ کس را از قهر خدا جز به لطف او نجات نیست. این بگفت و موج، میان آنان جدایی افکند و پسر نوح (علیه السلام) با کافران غرق شد. نوح (علیه السلام) به درگاه خدا عرض کرد: بار پروردگارا! فرزند من از اهل بیت من است و وعده تو - که اهل من نجات می‌یابند - نیز حتمی است. خداوند به نوح خطاب کرد که فرزند تو هرگز با تو اهلیت ندارد؛ زیرا او عملی ناشایست است؛ گرچه وعده الهی بر حفظ تو و اهل تو بود: قلنا حمل فیها من کل زوجین اثنین و أهلك... (1).

پس تو از من تقاضای امری که هیچ از حال آن آگه نیستی مکن. من تو را پند می‌دهم، نصیحت بشنو و از مردم جاهل مباش. نوح (علیه السلام) عرض کرد: بار الها! من پناه می‌برم به تو چیزی را که نمی‌دانم از تو تقاضا کنم و اکنون اگر گناه مرا نبخشی و ترحم نفرمایی، من از زبان کارانم: ... فلا تسئلن ما لیس لك به علم إتی أعظک أن تكونَ من الجاهلین * قال ربّ إتی أعوذ بك أن أسئلك ما لیس لی به علمٌ وإلا تغفر لی و ترحمني أگن من الخاسرین (2).

در این آیات، حضرت نوح (علیه السلام) از خداوند تقاضایی کرده که به آن آگاه نبوده است، آن‌گاه پوزش طلبید و از خداوند درخواست بخشش کرد و چنانچه خداوند او را نمی‌بخشید، از زبان کاران بود؛ حال آن که همه این‌ها از ساحت پیامبر معصوم، فاصله‌ها دارد. در پاسخ مطالب یاد شده باید گفت:

اولاً امام باقر و صادق (علیهما السلام) می‌فرمایند: این که قرآن می‌فرماید: نوح فرزندش را ندا کرد: و نادای نوح ابنه در حقیقت او پسر نوح نبود، بلکه پسر زن او بوده است و قرآن بر اساس اصطلاح و گویش طایفه طیّ که پسر زن را فرزند می‌خوانند (3)، تعبیر فرموده است: نادای نوح ابنه... (4).

ثانیاً امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: تقاضای نوح از خداوند و پوزش و طلب بخشایش وی در پی ردّ تقاضایش، به این دلیل بود که نمی‌دانست پسر خوانده‌اش از کافران و هم عقیده آنان است (جهل به موضوع، نه حکم). لذا، وقتی خداوند او را آگاه کرد، گفت: خدایا به تو پناه می‌برم که از تو چیزی بخواهم که به آن آگاهی ندارم (5). بنابراین، کار نوح در واقع، ترک اولی بود که زبانی به عصمت او وارد نمی‌آورد.

ممکن است اصل شبهه این‌گونه تقریر شود:

1. ظاهر گفتار نوح (علیه السلام): این ابنی من اهلی (6) آن است که آن شخص هلاک شده را هم فرزند خود دانست و هم اهل خویش تلقی کرد.

2. ظاهر گفتار خداوند: این لیس من أهلك (7) آن است که آن شخص هالك، اهل نوح نبود و این نفی، تکذیب آن اثبات است.

گذشته از آنچه قبلاً درباره موعظه نوح راجع به پرهیز از جهل بازگو شد، تقریر پاسخ آن به این است:

1. ظاهر عنوان اهل، شامل تمام اعضای خانواده می‌شود. بنابراین، فرزند نوح از اهل وی محسوب می‌شد.

2. طبق وعده الهی، اهل نوح مصون از طوفان و غرق هستند.

3. وعده الهی تخلف‌پذیر نیست. این مجموعه، سبب پرسش نوح (علیه السلام) یعنی استعلام وی شد، نه سؤال اعتراض‌آمیز؛ چون سؤال گاهی به عنوان استعلام است و زمانی به عنوان بازخواست؛ مانند آن که می‌گویند: فلان شخص زیر سؤال رفت؛ یعنی بازخواست شد، نظیر: وَ قَوَّهْم إثمهم مسئولون (8).

4. عصاره جواب خداوند به تعلیم یا تنبیه بر می‌گردد، نه تکذیب؛ یعنی خداوند با جمله إثم لیس من أهلك و با تعلیل إثمه عمل غیر صالح (9) عنوان اهل را تبیین و آن را تفسیر کرد که منظور از عنوان اهل، اهلیت و کوی است، نه اهلیت شناسنامه‌ای.

5. بازگشت چنین تفسیر و تعلیم، همان است که جهل به معنای مقصود از عنوان اهل زدوده شود؛ آن‌گاه نوح آگاه شود که پسر وی داخل مستثنا است، نه مستثنا منه؛ قلنا حمل فیها من کل زوجین و أهلك إلا من سبق علیه القول (10)؛ یعنی صالح نجات می‌یابد و طالع غرق می‌شود و فرزند تو طالع بود.

6. آنچه از نوح (علیه السلام) در این باره رسید، این بود: لا تکن مع الکافرین (11) و نفرمود: من الکافرین، و محتمل است خود آن حضرت از کفر مستور فرزندش آگاه نبود (جهل به موضوع).

7. حضرت نوح (علیه السلام) - مانند انبیای دیگر - همه علوم خود را لحظه به لحظه از ناحیه خدای سبحان دریافت می‌کرد، ممکن است جریان ظهور کفر فرزند و اطلاع به این که او عمل ناصالح یا عامل ناشایست است، از همین قبیل بوده باشد.

1. سوره هود، آیه 40.

2. سوره هود، آیات 46 - 47.

3. بحار الأنوار، ج 11، ص 337.
 4. سوره هود، آیه 45.
 5. تفسیر نور الثقلین، ج 2، آیه 42 از سوره هود.
 6. سوره هود، آیه 45.
 7. سوره هود، آیه 46.
 8. سوره صافات، آیه 24.
 9. سوره هود، آیه 46.
 10. سوره هود، آیه 40.
 11. سوره هود، آیه 42.
- وحي و نبوت، ص 247-250